

عباس سلیمی نمین:

دولت نمی تواند بلدوزر وار همه مشکلات را حل کند

پایگاه رأی اصولگرایان قطعا، ۴۸ درصد نیست، بخش قابل توجهی از این ۴۸ درصدی که رای دادند متعلق به قشر غیرسیاسی جامعه هستند و این قشر غیرسیاسی نسبت به آقای رئیسی، نوعی مثبت اندیشی دارد و یا حداقل آقای رئیسی را قابل تأمل می بیند و فکر می کند آقای رئیسی می تواند بر مشکلات فائق آید. آنچه که بر این قضیه صحنه می گذارد تلاش آقای رئیسی در همین مدت زمان کوتاه است.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، عباس سلیمی نمین از چهره های سیاسی اصولگرا بر این باور است که اصلاح طلبان باید منتقد باشند ابتدا فرصتی به دولت بدهند تا خودش را نشان دهد انتقاد هیچ ایرادی ندارد. یقینا به حاشیه رانده نخواهند شد چون اراده ای در این قضیه وجود ندارد. ماه عسل دولت و مجلس، دردسرهای تندروها برای رئیسی، سهم خواهی ها، به حاشیه رفتن یا فعال شدن اصلاح طلبان در دولت رئیسی، امتیازگیری برخی نمایندگان از وزرای ضعیف و hellip. اینها موضوعاتی است با عباس سلیمی نمین از چهره های سیاسی اصولگرا در میان گذاشته ایم و نظرش را در این باره جویا شده ایم. او در این گفت و گو، نگاه مثبتی به سفرهای رئیسی به ویژه سفر به خوزستان دارد و می گوید این سفرها می تواند آرامش را به محیط ملتهب ببخشد.

این چهره سیاسی اصولگرا بر این باور است که رئیسی برخلاف خواست و نظر تندروها از اصلاح طلبان نظرخواهی کرد. او اشاره می کند که قطعا در آینده، گشایش هایی صورت می گیرد اما در عین حال دولت نمی تواند بلدوزر وار همه مشکلات را حل کند.

آقای سلیمی نمین! آیا دولت رئیسی، مستعد این است که در بحث های معیشتی، شاهد یک سری اعتراضات مردم باشیم؟ الان به نظر می رسد که مردم از این وضعیت ناراضی هستند و احساس می کنند که در ماه های آینده یا در چند ماه آینده وضعیت به همین منوال خواهد بود و تغییری رخ نمی دهد. آیا ممکن است از جانب مردم اعتراضاتی رخ دهد؟

من معتقدم برخلاف نظر جریان های سیاسی که فقط منافع خودشان را در نظر می گیرند مردم برای دولت آقای رئیسی، یک فرصت منطقی و معقولی را قائل باشند که بتواند در زمینه حل مشکلاتشان گام های مؤثری بردارد. حتی کسانی که به آقای رئیسی رأی ندادند حداقل در این مساله تا حدی برای آقای رئیسی صدقانی، قائل هستند که در واقع خود را در انتخابات هم نشان داد.

پایگاه رأی اصولگرایان قطعا، ۴۸ درصد نیست، بخش قابل توجهی از این ۴۸ درصدی که رای دادند متعلق به قشر غیرسیاسی جامعه هستند و این قشر غیرسیاسی نسبت به آقای رئیسی، نوعی مثبت اندیشی دارد و یا حداقل آقای رئیسی را قابل تأمل می بیند و فکر می کند آقای رئیسی می تواند بر مشکلات فائق آید. آنچه که بر این قضیه صحنه می گذارد تلاش آقای رئیسی در همین مدت زمان کوتاه است. اینکه آقای رئیسی به سفر خوزستان می رود و تلاش می کند فردی را به عنوان استاندار انتخاب کند تا بتواند تلاش فوق العاده ای را برای مردم آن منطقه به انجام برساند، به نوبه خود، آرامش خاصی را به آن محیط ملتهب می بخشد.

بعد از انجام این سفرها چگونه؟ چقدر نتیجه این سفرها برای آقای رئیس و دولت ایشان مهم است؟ رهبری هم اخیرا به این قضیه اشاره کردند که اگر مردم ببینند وعده های داده شده اجرا نمی شود واکنش نشان می دهند

قطعا همین طور است. من تفاوت آقای رئیسی با دیگران را در این مسئله می بینم یعنی آقای رئیسی، فردی نیست که مثلا یک سفری برود و بعد فراموش کند و قضیه را پیگیری نکند. من فکر می کنم آقای رئیسی این انگیزه را دارد که خودش را به خطر اندازد و به محیط های آلوده ناشی از ویروس کرونا برود تا بتواند یک کار مؤثری را برای هموطنانش انجام دهد. در عین حال رهبری هم این تذکر را می دهند که فکر نکنید مسائل جامعه با شعار قابل حل خواهد بود از این رو حتما باید به طور جدی، عمل در پشت شعار باشد. دولت آقای رئیسی یک ویژگی های دیگری هم دارد و آن فداکاری است، وقتی رئیس جمهور به محیط آلوده می رود یعنی این آمادگی را دارد که خودش بیمار شود و جان خودش را به خطر اندازد.

رئیسی آماده است هزینه کند تا به جامعه خدمتی انجام دهد/فداکاری رئیسی باید با عقلانیت همراه باشد/اگر این کار را قبل از ریاست جمهوری اش انجام می داد، می گفتند می خواهد مردم را با خودش همراه کند در حالی که ایشان الان رئیس جمهور است و این کار را انجام می دهد. بنابراین این کار رئیسی، بدین معنا است که خودش آمادگی این را دارد که هزینه ایجاد کند تا خدمتی به جامعه ارائه بدهد و این بسیار مهم است. من فکر می کنم آقای رئیسی و دولت مردانش، این آمادگی ایثار و فداکاری را دارند و آنچه که به نظر من رهبری تذکر دادند، این است که این آمادگی برای فداکاری باید با عقلانیت همراه باشد، یعنی در این قضیه، ارزیابی این گونه نبود که مثلا این دولت انگیزه برای کار کردن برای جامعه ندارد؛ چرا که انگیزه آن قوی است. من فکر می کنم تنها چیزی که شاید مورد غفلت قرار گیرد شاید همان مشورت و استفاده از عقل جمعی برای مسائل بسیار پیچیده اقتصادی، عمرانی، اجتماعی و فرهنگی است که امیدوارم این تذکر با توجه و استقبال دولت مواجه شود و این آقایان بتوانند این دو مساله را باهم جمع کنند یا حداقل اینها را از هم قابل تفکیک ندانند.

به نظر شما الان تندروها می توانند در دوسری برای دولت آقای رئیسی ایجاد کنند؟

آقای رئیسی، امتیازات دیگری هم دارد و آن امتیاز، این است که در حال حاضر یک همفکری در بین سه قوه وجود دارد و یا حداقل در سطوح کلان سه قوه، همفکری وجود دارد؛ چون ممکن است در سطوح پایینی مجلس، این هماهنگی، چندان حاصل نشود ولی در سطوح کلان سه قوه یک نوع هم آوایی و همفکری وجود دارد که ما باید برای جبران مافات، تلاش فوق العاده ای انجام دهیم. این همفکری و نزدیک بودن دیدگاه، کارها را تسهیل خواهد که امتیاز بسیار خوبی است یعنی نه تنها این قوای مختلف، نیروهای یکدیگر را به سمت هرز و نابودی نخواهند برد بلکه نیروهای یکدیگر را تقویت خواهند کرد. بنابراین مسیر برای آقای رئیسی هموار خواهد بود.

ممکن است برخی از نمایندگان به دنبال امتیازگیری باشند؟

مطمئن باشید اگر مجلس در توانش باشد از ایشان پشتیبانی مالی به عمل خواهد آورد یعنی به لحاظ قانونی مشکل نخواهد بود و کارشکنی نخواهد داشت. این بدین معنا نیست که برخی از نمایندگان به دنبال امتیازگیری و .. نباشند، بحث ما در سطح کلان است چراکه در سطح خرد، ممکن است بعضی از نمایندگان، به دنبال فرصت طلبی های خودشان از دولت باشند و از دولت به نفع خودشان امتیاز بگیرند.

بنابراین آقای رئیسی از این امتیاز برخوردار است که در گام هایی که در مسیر حل مشکلات جامعه است هم پشتیبانی حقوقی و هم پشتیبانی قانونی

خواهد شد، پس این امتیاز را هم داریم. حال اینکه آیا نیروهای تندرو می‌توانند برای آقای رئیسی مشکل ایجاد کنند؟ باید بگویم خیر، آنها نمی‌توانند دزدی برای آقای رئیسی ایجاد کنند چون چهره آقای رئیسی دارای یک سری مختصات است که این امر برای آنها بسیار مشکل است. این دزدی ایجاد کردن آنها برای رئیسی را، از این بابت می‌گویم که امید زیادی به سهم گرفتن داشتند سهم گرفتن متکی به ضعف‌ها است. در واقع زمانی رئیسی مجبور است سهم بدهد که ضعف دارد.

از این رو در مسائل سیاسی این قضیه، حرف اول را می‌زند. بحث دیگر، ممکن است مشارکت دادن همه بخش‌های جامعه باشد از این رو به همین می‌گویند تلاش کنید یک وزیر هم از اصلاح‌طلبان باشد که این مشارکت دادن همه بخش‌ها است که در اصولگرایی بخش‌های مختلف را مشارکت دهند، اما یک موقع است که بر اساس منافع یک گروه خاصی به یک سری از افراد امتیاز می‌دهند که من فکر می‌کنم آقای رئیسی این گونه عمل نخواهد کرد یعنی قادر نخواهند بود از او امتیازی بگیرند چون وضعی از او ندارند که بگویند مثلا شما فلان ضعف را در زمینه مسائل اقتصادی دارید بنابراین برای اینکه ما به این ضعف‌ها نپردازیم باید در یک جاهایی به ما امتیاز دهید.

مثلا وقتی یک نماینده می‌خواهد امتیاز بگیرد، از وزیر امتیاز می‌گیرد که ضعف دارد یا در برخی بخش‌ها دارای یک عملکرد نامطلوب است، در نتیجه آن نماینده برای اینکه از آن ضعف، چشم‌پوشد و آن را نادیده بگیرد، امتیازی را دریافت می‌کند ولی به نظر من آقای رئیسی در این زمینه، بسیار به نیروهای تندرو بها نخواهد داد کما اینکه مواضعی که اتخاذ کرده در بسیاری از زمینه‌ها چه به رسمیت شناختن نیروهای اصلاح طلب، همینطور بوده است؛ چون بسیاری از نیروهای تندرو اصولگرا می‌گویند اینها هیچ تعلق به انقلاب و ارزش‌های دینی ندارند و باید کنار گذاشته شوند ولی وقتی آقای رئیسی آنها را به رسمیت می‌شناسد و با آنها وارد گفتگو می‌شود و از آنها برای پیشبرد امور نظرخواهی می‌کند یعنی اینکه کاملا آنها را در چهارچوب نظام می‌بیند و این با مواضع نیروهای تندرو بسیار متفاوت است، یا مثلا نیروهای تندرو، برجام را یک نوع خیانت و خارج شدن از چهارچوب‌ها تلقی کرده و می‌کنند ولی آقای رئیسی چنین چیزی را با صراحت و شجاعت سیاسی بیان می‌کند و صدای آنها (نیروهای تندرو) هم در این وادی چندان در نمی‌آید چون دیگر آقای روحانی نیست که بتواند در این زمینه هم به مصاف مواضع او برود چون آقای روحانی ضعف‌های دیگری در بخش‌های دیگر جامعه داشت در زمینه‌های مختلف با او در تقابل بودند اما در مورد آقای رئیسی نمی‌توانند این گونه عمل کنند.

رئیس باید نسبت به وزرای کابینه‌اش هوشیارانه برخورد کند البته اینکه در آینده، این وزرا چگونه عمل خواهند کرد، این یک پدیده دیگری است که اگر اتفاقاتی در این زمینه رخ دهد که چندان مطلوب نباشد، می‌تواند جای خودش را باز کند، اما در حال حاضر خیر؛ امیدوارم آقای رئیسی در زمان مشخص نسبت به وزارتی که ممکن است به وادی امتیاز دهی بیفتند، هشدار باشد و آنها را تغییر دهد چون اگر کسی در میدان عمل ضعیف باشد طبیعتا به امتیاز دهی قادر خواهد شد (برای اینکه به ضعفش پوشش دهد و یا ضعف‌هایش را پنهان کند)، امیدوار هستم که آقای رئیسی تدبیری برای این مطلب اندیشیده باشند.

به نظر شما چنین کابینه امیدوارکننده است که به سرعت و به صورت بولدورز همه مشکلات را رفع و رجوع کند؟ طرح این مساله که دولت بتواند مانند بولدورز، مسائل را حل کند، درست نیست چون چنین چیزی نه منطقی و نه عملی است. مشکلات متناسب با امکانات ما نیست یعنی امکانات ما بی‌حد و حصر نیست، البته در آینده قطعاً گشایش‌هایی صورت خواهد گرفت اما الان امکانات ما بسیار محدود است از این رو گام برداشتن بر اساس این امکانات محدود، این گونه خواهد بود که ما به تدریج بتوانیم بر مشکلات فائق آییم منتهمی باید به بعضی از کارها اولویت داد. امروز حجمی از مشکلات پیش روی ما است و باید به برخی از اینها که از مسائل اساسی و کلیدی جامعه است اولویت بدهیم و در واقع باید از نزاع‌های کاذبی که در جامعه مان وجود دارد بکاهیم و همه توانمان را در مسیر حل مشکلات مبرم جامعه بگذاریم.

یکی از مشکلات مبرم جامعه، بحث کرونا است. عده‌ای تلاش می‌کنند این مسئله را مخدوش کنند یا اجازه ندهند جامعه ما در این مسیر گام بردارد. رهبری، بحثی را مطرح کردند مبنی بر اینکه ما اعتقادی به انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در این زمینه نداریم. ما هم تجربیات تاریخی از جمله جنگ جهانی را داریم که انگلیسی‌ها به صورت عمدی، بیماری‌هایی را در ایران رواج دادند، قطعی به وجود آوردند و جمعیت ایران را به نصف رساندند. به بیان دیگر ما در قطعی کاذبی که انگلیسی‌ها ایجاد کردند نیمی از جمعیت مان را از دست دادیم و نیمی دیگر از جمعیت مان هم جمعیت ضعیف‌البینه‌ای شدند یعنی به لحاظ جسمی، یک ملت بیمار ضعیف شدند.

انگلیسی‌ها توانستند در جنگ جهانی، ضربه مهلکی به ما بزنند آنهایی هم که از قطعی، جان سالم به در بردند این گونه نبود که افراد تنومند قوی باشند. بنابراین انگلیسی‌ها توانستند در جنگ جهانی، ضربه مهلکی به ما بزنند. در نتیجه این سابق را در کارنامه‌شان دارند. در نتیجه رهبری باید تذکری می‌دادند که مبادا آنها در این قضیه، یک سری اقداماتی برای تضعیف ملت ما انجام دهند؛ این سابقه تاریخی شان بوده است. سابقه اخیرشان هم این است که فرانسوی‌ها خون آلوده به ایران دادند و مشکلات جدی برای ما ایجاد کردند. آنچه که در حال حاضر حائز اهمیت است این است که آیا واقعا در زمینه مقابله با کرونا، آنها آمادگی کمک به ما را دارند؟ واقعیت پشت پرده این است که این گونه نیست.

یکی از عواملی که در تهیه واکسن، موثر است، ژل است. یعنی وقتی، فرمول را کشف کردید و می‌خواهید تولید انبوه داشته باشید، ژل بسیار مهم است ژلی که در آن وپروس را در آن کشت می‌کنند. آمریکایی‌ها با تمام توان تلاش می‌کنند که ایران نتواند از بازار جهانی، این ژل را تهیه کند چون انحصارش در اختیار آنها است بنابراین اگر مسائل انسانی برایشان مهم است نباید محدودیت‌های این چنینی برای ما بگذارند و در واقع اجازه دهند ژل را تهیه کنیم تا بتوانیم خودمان واکسن تامین کنیم.

ضربه زدن آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به ایران توهّم نیست در واقع یکی از دلایلی که چند موسسه داخل کشور که قول داده بودند واکسن لازم را تامین کنند، نتوانستند موفق شوند کارشکنی جدی آمریکا در این قضیه است که حتی به صورت غیرمستقیم هم ما نتوانیم از کشورهای ثالث تهیه کنیم. به رغم همه اینها ما در حال عبور از این مرحله هستیم دیر یا زود ما قادر خواهیم بود این مسئله را حل کنیم. در واقع اگر متکی به توان خودمان نبودیم معلوم نبود چه اتفاقاتی برای ما رخ می‌دهد. تذکر رهبری در این مقطع از نظر بنده لازم بود، داده شود که مبادا در این شرایط ویژه، آنها یک ردالت‌هایی انجام دهند که این ردالت‌ها در عالم معنا صورت می‌گیرد نه در عالم خیال. یعنی این گونه نیست که ما توهّم داشته باشیم که اینها ممکن است از این طریق به ما ضربه وارد کنند چراکه هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ عملکردشان در سال‌های اخیر، نمی‌توان فراموش کرد که آنها از روی عمد در جهت تضعیف ما گام برداشته اند.

اولویت اصلی رئیسی، مقابله با کرونا است بنابراین فکر می‌کنم اولویت اصلی برای آقای رئیسی، بحث مقابله با کرونا خواهد بود اگر بتوانیم به توان داخل، اکتفا کنیم حتی المقدور می‌توانیم برخی کاستی‌هایمان را از سایر کشورها تامین کنیم تا بتوانیم هر چه سریعتر، تاثیرات کرونا را بر اقتصادمان به حداقل ممکن برسانیم چون بسیاری از مشکلات اقتصادی، به این دلیل است که بخش‌های مختلف به صورت کامل فعالیت ندارند و فعالیت ناقص آنها موجب می‌شود که تولید محصولات گرانتر تمام شود یا هزینه خدماتشان به جامعه را با افزایش قیمت‌ها بالا می‌برند. اگر تولید و فعالیت‌های اقتصاد رونق بگیرد و به حال عادی اش بازگردد طبیعی است که تاثیرش را روی اقتصاد می‌گذارد. ما در مسائل منطقه ای و بین‌المللی، سیاستهایی را براساس رشد و توسعه اتخاذ کرده ایم که

آنها هم در جای خود، اقتصاد جامعه را تقویت خواهد کرد.

در چینش کابینه رئیسی جابه جایی‌هایی صورت گرفته است

یک عبارتی یکی از مخالفان کابینه داشت که افراد جابجا چینش شده اند مثلا همه انتظار داشتند رستم قاسمی به وزارت نفت برود و گویا خودش همین انتظار را داشت و اشتباه لفظی پیش آمد اما به وزارت راه رفت. نظر شما چیست؟

من قبول دارم که در چینش کابینه، جابه جایی صورت گرفته است. نه تنها به بحث که شما به آن اشاره کردید مثلا آقای علی آبادی قرار بود تا لحظات آخر، ایشان وزیر شود که فرد قدرتمندی است اما به دلایلی که هنوز برای من روشن نیست این تغییر رخ داد. ایشان قرار بود وزیر صمت شود اما تصمیم تغییر کرد. در مورد آقای اسلامی هم قرار بود در جایگاه راه و شهرسازی بماند. وزیر دفاع قرار بود که در جایگاهشان باقی بمانند اما در آخرین لحظات تغییر کردند. حال چه عاملی موجب شد بحث دیگری است. اینکه حالا افرادی که آمدند و جای آنها را گرفته‌اند آیا می‌توانند قابلیت های لازم را از خودشان نشان بدهند این تا حدودی برای ما مبهم است.

امیدوارم مشورت و استفاده از عقل جمعی با استقبال دولت مواجه شود

یعنی بهتر بود آقای رستم قاسمی به وزارت نفت می‌رفت؟

آقای رستم قاسمی در زمینه مسائل کلان نفت، کارنامه و سوابق چندان تخصصی ندارد در زمینه فروش ممکن است سابقه داشته باشد ایشان در زمان تحریم در زمینه فروش توانسته کارنامه خوبی در زمینه فروش از خودش ارائه بدهد اما در زمینه توسعه نفت و سیاست گذاری کلان نفت، کارنامه چندان درخشانی ندارد که بگوییم ایشان در وزارت نفت نباشد نقصان جدی باشد.

آقای سلیمی نمین! غیبت برخی طیف های اصولگرایی مثل اصولگرایان سنتی جامعه روحانیت یا جبهه پیروان به نظر شما چه سیگنالی می‌دهد؟ احتمال دلخوری این طیف وجود دارد؟

من این را باور ندارم به هر حال برخی از نیروهای آنها در جاهایی به کار گرفته شدند اگر در وزارت نبوده، در معاونت ها به کار گرفته شدند. برخی از کاندیداها و نیروهای معرفی شده از سوی آنها در برخی جاها به کار گرفته شدند.

*حضور وزیر دولت روحانی در جایگاه معاونت دولت رئیسی چه پیامی دارد؟

قرار بود حضور برخی وزرای دولت روحانی، وسیع تر باشد این بدین معنا نیست که آقای رئیسی چندان به صورت گروهی و جریانی عمل نمی‌کند بلکه تمایل دارد فراگیرتر عمل کند و این اعتماد را در همه بخش های جامعه به وجود آورد به گونه ای اگر استعدادی باشد به کار گرفته شود. این نکته بسیار مهم است که ما یک برخورد حزبی و گروهی نداشته باشیم ایشان این گونه نیست که اگر فردی در کابینه آقای روحانی بوده باشد به آن نگاه حزبی داشته باشد. این نگاه در گذشته متأسفانه وجود نداشته و موجب لطمات بسیاری شده است در واقع این تلقی ایجاد می‌شد که اگر جریانی رفت و جریان دیگری روی کار آمد باید همه افراد مربوط به آن جریان را قلع و قمع کند.

این تغییر نگرش برای ما آثار مثبتی خواهد داشت کما اینکه این آثار مثبت را در نقل و انتقال قدرت شاهد بودیم یعنی معارفه ها و تودیع ها به خوبی صورت گرفته است و همراه با قهر و تندی و عدم حضور نیست. وزیر قبلی به وزیر جدید می‌گوید اگر اراده کنید حاضرم تجاربم را در اختیارتان بگذارم یا هر سوالی داشته باشید پاسخ دهم. این ناشی از نوع نگاه آقای رئیسی است که باعث این تغییر نگرش در جامعه شده است اینکه نقل و انتقال قدرت هم با آرامی و هم با فرهیختگی صورت می‌گیرد.

نقش آقای روحانی هم در این میان چقدر تاثیرگذار بوده است؟

ایشان هم برخورد خوبی داشت به ویژه آقای ظریف در این زمینه به خوبی عمل کرد یعنی به بسیاری از وزرای خارجه نامه نوشت که من ایشان را قبول دارم و بعد از من، آقای امیرعبدالللهیان فرد بسیار شایسته ای است. هم در داخل وزارتخانه و هم در خارج از وزارتخانه، رفتار بسیار فرهیخته ای داشت. وزیر جدید هم اعلام کرد که بسیاری از مسائل را از آقای ظریف آموخته است. در واقع این نوع مشایعت و همراهی و تغییر، گام بسیار خوبی است چون قبلا این گونه بود وقتی یک وزیر می‌رفت با قهر می‌رفت گویا کودتا شده است در نتیجه انتقال تجربه اصلا صورت نمی‌گرفت و یک نوع تخاصم وجود داشت. این تخاصم موجب می‌شد که آثار وزیر قبلی از بین می‌رفت تا نشانی از آن نباشد. اما الان وقتی وزیر جدید می‌گوید وزیر قبلی را قبول دارم و از آن بسیاری آموختم، دیگر آن تخاصم ایجاد نمی‌شود و این گونه نیست که بخواهد آثار وزیر قبلی را از بین ببرد. متأسفانه این فرهنگ و جا انداختند اگر ما پیروز شدیم گویا انقلاب کردیم و پیروز شدیم.

بارها گفتم وقتی دوم خرداد رخ داد اصلاح طلبان، نام آن را جنبش گذاشتند مثل جنبش تنباکو که علیه یک مسئله ای قیام کردند و پیروز شدند و به تعبیری همه قلیان ها را بزنند بشکنند. جنبش یعنی یک کار غیرمتعارف صورت گرفته نه یک کار قانونی.

کار قانونی این است که تا دیروز فلانی براساس قانون روی کار بوده، امروز فرد دیگری روی کار می‌آید. یعنی بسیار دوستانه، طبق قانون، مدت حضور یک فرد در یک جایگاه به اتمام رسیده و پس از آن فرد دیگری روی کار می‌آید. چرا باید جنبش بگوییم؟ براساس رأی صندوق فردی انتخاب شده است بنابراین هیچ جنبش و انقلابی صورت نگرفته است اما برخی از جریانات سیاسی برای اینکه آشتی در داخل کشور وجود نداشته باشد آمدند یک مسئله ای جا انداختند که گویا با جریان مقابل، پدرگشتگی دارند و تخاصم دارند.

دود این تخاصم به چشم مردم می‌رود. اگر توان اینها با هم جمع شود یک نوع بازتاب و دستاورد برای جامعه خواهد داشت اگر در تخاصم باشد یک سری آسیب ها برای جامعه خواهد داشت. این رفتار آقای رئیسی که از روزنامه نگاران اصلاح طلب دعوت کردند، نامه نوشتند و یا به شخصیت های اصلاح طلب نامه نوشتند که اگر حرفی دارید مطرح کنید، تأثیرش را در کابینه گذاشت. البته ایشان می‌خواستند گام بلندتری بردارد که برخی نیروهای تندرو، این روند را برای ایشان گند کردند وگرنه، آقای رئیسی گام های بیشتری در این زمینه برمی‌داشت. از نگاه من در این حد هم برای جامعه تحول ایجاد کرد که هزینه های تغییرات در جامعه را کم کرد. یعنی احساس نمی‌کنیم که انقلاب شده و ما آمدیم. سوال این است که چرا برخی این خصومت را ترویج کردند؟ برخی می‌خواستند که ما روابط مثبتی با دشمنانمان داشته باشیم و دشمن را در داخل تعریف کنیم. در واقع اگر ما یک جریان سیاسی باشیم قطعا دوستان و مخالفانی داریم. اینها مخالفان خودشان را جریان رقیب داخلی تعریف کردند در حالی که همه ما که در مسیر منافع ملت گام بر می‌داریم اسرائیل را دشمن خودمان می‌دانیم چون آن نمی‌خواهد ایران و هیچ کشور منطقه پیشرفت کند. بنابراین دانشمندان مصری، عراقی و کشورهای اسلامی را ترور می‌کند چون اسرائیل دشمن همه کشورهای منطقه است و نمی‌خواهد تسلطش بر منطقه از طریق رشد کشورهای منطقه به چالش کشیده شود.

وقتی عده ای می‌خواهند اسرائیل را به عنوان دشمن پاک کنند باید یک دشمنی در ازای آن پیش روی خودشان قرار دهند متأسفانه جریان سیاسی رقیب خود را دشمن تلقی کردند مبنی بر اینکه نمی‌توان با آنها مذاکره کرد یا نباید با آنها رابطه داشت، آنها ضد بشریت و ضد همه خوبی‌ها هستند. یک تخاصمی بین جریانات سیاسی ایجاد کردند که تخاصم کاذبی بود.

یعنی می‌فرمایید عده ای در دو جریان اصولگرایی و اصلاح طلبی، خصومت و تندی را ترویج می‌کنند

در هر دو گروه این گونه است. هم آقای رئیسی، در مورد اینها مشکل دارد و هم جریان مقابل، که می‌خواهند حذف کنند. در جریان اصلاح طلبی،

افرادی هستند که چهره های شاخص آنها با شاخص های بیرونی تنظیم می شود در بین نیروهای اصلاح طلب، افراد صادق و دلسوزی هستند دلیل نمی شود که ما این استعدادها و قابلیت‌ها را از مردم بگیریم و به رسمیت نشناسیم.

در جریان اصولگرا هم یک سری افراد فرصت طلب و کوتاه نظر هستند اما یک سری افراد سالم و دلسوز هم حضور دارند. بنابراین چرا باید بین دو جریانی که دلسوز هستند چه در اصلاح طلب و چه در اصولگرا، ارتباط منطقی وجود نداشته باشد. چه کسانی آمدند این ارتباط را خصمانه کردند و با چه هدفی خصمانه کردند؟ آیا امروز دولت آقای رئیسی در این وادی، برای اینکه خصومت را کم کند گام‌های موثری برداشته است؟ از نگاه بنده گام‌های بسیار خوب و موثری برداشته است و نیروهای اصلاح طلب باید خودشان نیروهای تندیرویشان را مهار کنند تا آن مسیری که توسط آقای رئیسی گشوده شده است را بازتر و هموارتر شود. این اقدام منوط به این مسئله است که طرف مقابل از این قضیه استقبال کند و روابط را روابط انسانی قرار دهد. مردم وقتی به کسی رأی دادند ما باید آرزو کنیم که آن فرد موفق باشد و لواینکه خودش دارای ضعف‌های چشمگیر باشد. بنابراین باید آرزو کنیم که آن فرد موفق شود چون موفقیت آن فرد در جیب مردم قرار می‌گیرد اگر او بتواند کارخانه‌ای راه بیندازد یا صنعتی را به وجود بیاورد یا نوآوری و خدماتی داشته باشد این خدمات در جیب مردم قرار می‌گیرد.

آرزوی یکایک کسانی که به ملت ایران می‌اندیشند این است که این چرخش قدرت کم هزینه شود و هم دوستی و تعامل بین جریاناتی که هر کدام راه حلی برای اداره جامعه دارند ایجاد شود. کسانی که نمی‌خواهند این تعامل وجود داشته باشد باید به حاشیه بروند نه اینکه حذف شوند. ما حق نداریم آنها را حذف کنیم اما آنها نباید تعیین کننده باشند که بر طبل خصومت بکوبند اگر هم بر طبل خصومت کوبیدند آنچنان در حاشیه باشند که نتوانند تاثیر بگذارند. این شجاعت را آقای رئیسی داشته و امیدوارم جریان مقابل از این شجاعت استقبال کند که تا حدود زیادی هم استقبال کردند و این حرکت را در آینده می‌توان به صورت عملی نه شعاری تقویت کرد. دو دانشمند را نمی‌بینیم که با هم دشمنی کنند هر کدام یک نظر جداگانه ارائه می‌کنند دلیلی ندارد این دو با هم دشمن شوند چراکه راه حل‌های آن دو برای بهبود جامعه ارائه می‌دهند، برای پیشبرد جامعه، راه حل ارائه می‌دهند. اگر جریانات سیاسی تفکرات مختلف دارند در چارچوب تفکرات مختلف خودشان باید بتوانند ارتباط انسانی برقرار کنند که موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت جامعه شود در آینده روز به روز این رشد فرهنگی بیشتر خواهد شد. ما به خاطر دشمنی‌های دو جریان سیاسی هزینه‌های بسیاری می‌دهیم.

****وضعیت اصلاح طلبان را در ۴ سال پیش رو چطور ارزیابی می‌کنید؟ منتقد؟ ساکت یا …**

اصلاح طلبان باید منتقد باشند ابتدا فرصتی به دولت بدهند تا خودش را نشان دهد انتقاد هیچ ایرادی ندارد. یقیناً به حاشیه رانده نخواهند شد چون اراده‌ای در این قضیه وجود ندارد بلکه برعکس این اراده وجود دارد که نیروهای سالم اصلاح طلب در متن جامعه فعال باشند چون فعال شدن آنها موجب تقویت فکر و اندیشه در جامعه می‌شود.

استفاده زیاد از مدیران و وزرای احمدی نژاد برای خود شما قابل پیش بینی بود یا شوکه شدید؟

نباید انتظار داشته باشیم که انسان از فضا آورده شود یقیناً کسانی باید باشند که یا در دولت روحانی بوده باشند یا در دولت احمدی نژاد. به ویژه اگر بخواهیم جوان انتخاب کنیم چون هر چه عقب تر برویم نیروهای مسن را شاهدیم. نیروهای دولت آقای هاشمی رفسنجانی و آقای خاتمی جزو نیروهای مسن هستند.

بنابراین حضور وزرای احمدی نژاد در این دولت بدین معنا نیست که تمایل به آقای احمدی نژاد داشته باشند بسیاری از وزرای احمدی نژاد در دولت دوم در تقابل با وی قرار گرفتند. وقتی مشخص شد آقای احمدی نژاد، دیگر دغدغه مردم را ندارد و اگر به مردم می‌رسد به دنبال این است که به نوعی مردم را در خدمت خودش بگیرد تا در قدرت بماند، وقتی این تلقی ایجاد شد و این ذهنیت شکل گرفت بسیاری از وزرای ارزشمند کابینه احمدی نژاد از اطراف وی پراکنده شدند. حال این بدین معنا نیست کسانی که با آقای احمدی نژاد در دوره‌ای همکاری کردند همفکر ایشان بوده باشد. این بحث برای من شوک آور نبود چون بسیاری از افرادی که یک زمانی در کنار آقای احمدی نژاد بودند بعدها منتقد جدی ایشان شدند و به شدت در برابر ایشان ایستادگی کردند.

***آقای سلیمی چقدر احتمال می‌دهید که یک طیف منتقد دولت از درون جریان اصولگرایی سر برآورد، مشابه آنچه در دولت احمدی نژاد و مجلس هفتم شاهد بودیم؟**

هر امری ممکن است بستگی به عملکرد آقای رئیسی دارند اگر آقای رئیسی یقیناً غفلت‌هایی داشته باشد جریان اصولگرا، غفلت‌های وی را نادیده نمی‌گیرد دلیل هم ندارد نادیده بگیرد به هر حال غفلت موجب ضربه زدن به منافع عمومی جامعه می‌شود طبیعتاً اگر ایشان غفلت نداشته باشند و هوشمندی داشته باشد و وزرای خودش را کنترل کند، بازرسی جدی داشته باشد و بتواند جلوی آفت‌ها را بگیرد، نباید در جایگاه نقد قرار بگیرد. اگر غفلتی صورت گرفت هم اصولگرایان و هم اصلاح طلبان در مقام نقد او قرار بگیرند. قرار نیست که ما در قامت آقای رئیسی قرار بگیریم تا کشور را فقط از منظر ایشان ببینیم. ما کشور را از منظر دیگری می‌بینیم. اگر آقای رئیسی در آن مسیر فعال و موثر بود همراه می‌شویم اما اگر در آن مسیر غفلتی صورت گرفت یقیناً نادیده نمی‌گیریم.